

# کوهستان

## آقای آصف

### چه خواهید کرد؟

که همه میداند با این ماموریت جدید بکردستان مراجعت کرده آید منتضیان امروز کردستان با منتضیان سه سال قبل که شا فرمانداری این ناحیه را قبول کرده تفاوت بسیار دارد آرزوی وجود آقای منتضیان، گرفتاری مردم از لحاظ گرانای زندگی و کمی خواربار و هرج و مرجی که از وقایع شهربوری ناشی شده بود دست بدست هم داده مردم را چنان در رفتار ساخته بود که جز فکر تپسه قوت لایبوتی برای خانواده خود هدفی نداشته در آن موقع شا جدیت گرفته و مردم کردستان مضموماً شهر نشینان آذربایجان میسایند دوره فرمانداری بروجه شا افزود و مردم را با اقدامات شاغوشین کرد و قلبها را پشا نزدیک نمود.

ولی امروز وضعیت کلی متفاوت است مردم دیگر بفکوحکم نیستند آن ها طالب آزادی و راحی، خواعات هدایت حومشقلی فرهنگ و سلامت هستند. امروز پس از چند سال مبارزه بنیادین مردم باز شده و آن چیزهایی را که دیگران دارند میخواهند و به نان تنها راضی وقایع نیستند.

مردم میخواهند آزاده فکر کنند زور و ظلمی را میخواهند تحمل نمایند مامور دزد و راهزن و پایوش ساز را در منطقه کردستان نمی خواهند به بیست شهر خوب، مدارس منظم جاده های مرتب بهداشت و از این قبیل چیزهای ضروری زندگی بشری را میخواهند و صرف و معدوم قانع نمی شوند میخواهند اصلاحات فوری را در عمل ببینند.

گرفتاری و بیچارگی مردم کردستان زیاد، شکایت آنها منقلب و فراوان، دردن آنها از حد گذشته و دیگر کتاب مقاومتی پیش از این ندارند آنها تشنه و معنای اصلاحات فوری هستند.

شا آقای آصف که قبول مسئولیت نموده، باید با جدیت شبانه روز مشکلات کنونی را از جلو مردم برداشت قدری آسایش برای آنها فراهم نماید. برای چند روز اول ورود شا به کردستان چند کار ضروری است تا مردم پشا امیدوار شوند و شا هم با پشتیبانی آنها اصلاحات و برنامه ای را که باید انجام دهد.

۱ - شهردار را اگر چه مهم به ایشان ارادت داریم از کار بر کنار کنیم زیرا ایشان در تمام مدت تصدی خود بکار کمیند بسیار کوچک هم انجام نداده اند بقیه در صفحه ۸

هفته گذشته آقای فرج الله آصف شهردار معظم بکردستان مرخص شدند. جناب آقای قوام السلطنه نظر به اعضای که داشته نظارت دوشهرستان های منتهج و بیچاره را بعهده ایشان گذاشته قطعی است که راجع به این دوشهرستان مهم دستورات کلی در وقت داشته و هدایه اختیاراتی هم بایشان تفویض شده باشد.

مناسفانه برای ما مقدور نشد که از میزان اختیارات و برنامه ای که ایشان برای این ماموریت جدید در نظر گرفته اند اطلاعی بدست آوریم.

دستور آقای نخست وزیر هر چه باشد و اختیارات آقای آصف به میزان برنامه ایشان هر نوع قطعاً منتهج نظریات اصلاحی است که بنگاه هدف جناب آقای قوام السلطنه میباشد.

از آنجائی که ما همیشه منتفع به وطن پرستی و علاقه آقای نخست وزیر با اصلاحات مملکت بوده ایم اطمینان داریم که در این مورد هم دستورات کلی و موثری داده اند و آقای آصف با ایشان با زورم پیروی و اجرای آن این ماموریت را قبول کرده اند.

بنا بر این در این اصلاحات لازم می داریم هم آهنگ بوده و از طریق روزنامه کوهستان نظریات و انتظارات مردم را اعلام داشته و آقای آصف را دعوت نماییم که آرا مورد توجه و اقدام قرار دهند و برای تذکرات اولیه خود بدواً به از آنچه مردم امروز کردستان فکر می کنند بیان نموده سپس چند اقدام ضروری و فوری را که نظر مردم و مورد علاقه و نیاز آنان است یادآور می شویم.

آقای آصف شما امروز بنا به منتضیان

با تغییر بعضی دوسای کوچک و نالایق این ناحیه و گماردن مأمورین کاردار و جدی و وزین بهیودی در اوضاع آنجا بدهد آید.

ولی اقدام اساسی پس از حل اختلافات برای کردستان این است که هیئتی از طرف دولت اوضاع آنجا را بررسی نموده اصلاحاتی را که برای این نواحی ضروری است طبق برنامه صحیح بدولت پیشنهاد نموده و بلافاصله بوضع اجرا گذارده شود مجدداً یادآوری می نمایم که حضوت چند نفر از شخصیت های برجسته و مورد اعتماد گرام هم در این هیئت ضروری و از شرایط اساسی موفقیت می باشد.

## امیدواری به حل موضوع کردستان

فعلاً در منطقه سقز آرامش برقرار است  
انتظار میروند امروز یا فردا آقای قاضی محمد بطهران وارد شود

اگر اید پذیرای های شبانه ای از تیسار سر لشکر رزم آرا میسر آمده و هموماً تامل خود را باینکه بوضع رضایت بخش و عادلانه ای این اختلافات حل شود اظهار نمودند.

اکنون آرامش در منطقه سقز حکمفرما و تیسار سر لشکر رزم آرا هم برای گزارش عملیات خود بطهران مراجعت کرده اند.

برای خانه دادن با اختلافات موجود و حل قطعی مسئله کردستان از طرف جناب آقای نخست وزیر تلگرافی مطابره شده و از آقای قاضی محمد دعوت نموده اند که برای تکمیل مذاکرات بطهران بیایند انتظار می رود ایشان نیز در عرض امروز ولگردا به پایتخت وارد شوند. اکنون میتوان گفت امیدواری کامل به حل مسئله کردستان حاصل و قیاد در عرض هفته آینده این مشکل مملکت نیز حل گردد.

با دو نظر گرفتن موفقیت مهم کردستان ملاح در این نبود که یک قسمت از این منطقه وسیع و حیاتی را از دیگر قسمت های آن جدا نموده و رابطه آرا با سایر قسمت ها معلق نمود بلکه از هر نظر که تصور شود صلاح مملکت است که تمام نواحی کردستان تحت سازمان واحدی اداره شده و آمایش کاملی برای سکنه آن فراهم گردد ولی از آنجائی که فعلاً مشکلاتی در نواحی کرد نشین شمالی موجود است بدیهی است باید دست دولت را باز گذاشت تا از طریق مسالمت آمیز و عادلانه اشکالات آنجا را رفع و ترتیبات لازم برای تامین آسایش ساکنین آن داده سپس توجه خود را بسایر نقاط کردستان نیز معطوف دارد.

تبدیل بعضی سقزیه بک شهرستان و توجه به تصویب عوارضی از توتون مخصوص تکمیل فرهنگ این ناحیه از قدم های اصلاحی است که اعتماد سرخوش این منطقه موثر بوده و انتظار داریم بارها تذکر داده ایم که موضوع کردستان را با آذربایجان نباید بکجا در نظر گرفته تفاوت کرد بلکه لازم است موفقیت جنرالیاتی و سیاسی آرا مورد توجه قرار داده و اقدامی کرد که متناسب با این وضعیت باشد.

در هنگام ورود ناظران گرام مردم آذربایجان بطهران همین نظر را تابه و یادآوری نمودیم که کردستان موفقیت خامی دارد و حل آن با دو سه مذاکرات مستقیم با نمایندگان آنجا انجام گیرد.

پس از اینکه موافقت نامه ای هم راجع به مسئله آذربایجان در تبریز با مقامی آقای منتضیان فیروز و پیشه وری رسید ما موفقیت حل این موضوع را بجناب آقای نخست وزیر تبریک گفته و از اینکه برای اکراد آن ایالت هم همان حقوق را قائل شده اند اظهار خرسندی نمودیم. ولی در همان موقع خودداری کردیم از اینکه مجدداً تکرار نسائیم اصلاح در این بود که کردستان جداگانه مورد بحث قرار گیرد زیرا موافقت نامه امضا شده بود و دیگر تذکرانی در این باب هم نتیجه ای بدست نداد.

مناسفانه وقایع روزهای ۲۶ و ۲۷ خرداد و زود خوردهایی که در منطقه سقز بین نوای دولتی و نیروی اکراد رویداد نشان داد که ما چندان با شتاب نرفتیم و موافقت نامه از طرف آقای منتضیان کالی برای حل مسئله کردستان بپوشه است شواتندگان کم پوشی میداند که در ۲۶ خرداد زود خود شدیدی در منطقه سقز در گرفت و بالاخره با ملاقات تیسار سر لشکر رزم آرا و آقای قاضی محمد خانه پذیرفت و مذاکراتی که بین طرفین دو چند فرسخی سقز روی داد باین نتیجه رسید که زود و خورد متوقف شده و آقای حاج بابا شیخ و تیسار سر لشکر رزم آرا قوای طرفین را در طول خطی که با هم در تماس بودند باز دید نموده و اشتغال هر گونه تصادمی را مرتفع نمایند.

دو سخن این باز دید از طرف دوسای

افق سیاست جهان روشن میشود

تفاسی که بین دول بزرگ در مسائل سیاسی پیش آمده افق سیاسی جهان را بیش و کم روشن نموده است. مناظرات که سوئیس، ژرژیه، چین متفقین قدیم مولد تحولاتی بزرگ و پر دامه است. هیچگونه تردید نیست همانطور نیز تمام کارگردانان و افسان صلح بنسبت آنکه نیروی گرداننده سازمان صلح و آزادی هستند موجب تأثیرات و پدیده‌های عظیمی خواهد بود این بدین است که همه گمی و تاکنیک واحد دول چنگو در زمان صلح همنامند دوران جنگ برای آزادی بشریت از بندهای کین و ایجاد جهان نوین و آزاد بسیار ضروری و لازم است کیست که از تمامی شکر دول آزادیخواه برای پیروزی جهان آزاد بر طبع نازیم آگاه نباشد، چه کسی از گذشت‌های بی نظیر ملل آزاد جهان برای استنراق صلح و آزادی اطلاع ندارد بدون تردید باید گفت پیروزی و استمرار صلح و آزادی فقط در اثر این بوده که زمین، بحر و بر دشمن را در لانه خود سرکوب کند و حیوان وحشی نازیم را نابود نماید و نتیجه این بود که در تحت رهبری واحد و نقشه مشترک دشمن از خانه روانه شد و دنیا از این بلیدی و بران کنده رها گردید.

بنابراین نیروی اخیر نتیجه تاکنیک مشترک نیروهای آزادیخواه بود اما پس از پایان جنگ این ستارزی و مشابه و نظیر نمیتوانست پایدار باشد و وحدت دنیا منتج به نتیجه نگردید دلیل هم داشت زیرا این امر ابتدائی که سالها مورد نظر سیاستمداران و بشرین صلح و آزادی در رژیمهای اجنبی مختلف دول حاضر هرگز نمیتوانست عملی شود و اختلافات کلی و جزئی بین دول بزرگ خود بخود ایجاد میگردد و هیچ نیروی قادر به جلوگیری از آن نبود چون امری باقیمانده و سوسیالیزم با یکدیگر آشتی ناپذیرند بهر صورت این اختلافات که نتیجه رژیم های کینه بورژوازی و دسراجهام سورب بین المللی بنوع گرفت و دست بیشتری بدست آورد و همنامانه نیست حال گذشته دنیا را بهر صف مخالفان تقسیم نمود.

درس شورای امنیت در مورد قضیه اسپانیا و ایران و بکار بردن اسرار سیاسی بنوان اتم سیاسی سر مشق جاسوزی برای دول ضعیف و محروم بسیار کشور های آزاد شده اروپا بود ولی این همه اختلافات که منجر به وقت کفرانس پاریس و عدم تشکیل کنفرانس صلح گردید گویا با تغییر شم سیاسی دول امریالیزم امروز نتایج رضایت بخشی داده است و در نتیجه اکنون مذاکرات کفرانس پاریس بطوری بیشتر می نماید و دست بیشتری بدست آورده و موجب امیدواری شده است.

بهر حال وحدت جهان آزاد که هدف ملل ساحل و آزاده و هینطور ملل متحد بقیه امریالیسم است بیچوچه و هرگز دستخوش هزاران لیرک نامرشد آزادی نخواهد شد و هیچیک از مردم آزادیخواه و صلحجوی دنیا حاضر نخواهد بود که یکسر به دیگر دنیا به خون و آتش کشیده شود.

تفسیر سیاست هفته

دنیا و ایران در هفته پیش

این حقیقت انکار ناپذیری است که تمام ملت های شفته آزادی ناپای جان خواهان آنند

در ایران ما چه میگذرد؟

قبل از انتخابت انتصابات آینده یک جنبه عمومی و کلی دارد که در مورد خود بیچوچه وجه تشابهی با سایر ادوار انتخاباتی ندارد. در این دوره دو صف مختلف با دودفق مختلف تا پای مرکز علیه یکدیگر مبارزه میکنند. موفقیت با کدام از این دو توتیب باشد معلوم نیست ولی بدین است عناصر محرومی که مدتی است از دستگاه دولتی محروم و دور نشسته اند بیکار بوده نقشه های سیاه و دور و دراز برای موفقیت خود در انتخابات و بر ضد امنیت و آزادی ایران میکنند و در مقابل نیز البته معائل مترقی و آزادی خواه نیز موفقیت های کوچک اخیر آنها را بهر نگرده و دروغ و غرض فرو گرفته اند.

بشنامه امیردولت راجع به سوئیس بخشدار و شهر دار هالیکه بیشتر از یکسال در یک منطقه سکونی دارند و هینطور اظهار صریح دولت که در انتخابات آزاد بتواند یک ثالث بی طرفی و بی طرفی اظهار خواهد داشت و تصدیق که در دستگاه حاکمه شروع شده امیدواری می رود که پیروزی با آزادی خواهد بود و نقشه های قوم دهان ملت جهانی نخواهد رسید ولی آینده همه وقت آینه تمام نمای یک تفاوت و پاسخ صحیح است

قضیه کردستان در راس مسائل داخلی

خبر تصادمی که در بعضی از روزنامه های تهران منتشر شد در کلیه معامل تولید شکنی عجیبی نمود همه ار می پرسیدند آیا پس از قرارداد مسالمت آمیز این حادثه واقفیت دارد یا غیرا آری زد خوردی در گرفته بود و نذاتی هم به نیروی دولتی وارد آمد ولی برخلاف اظهار بعضی جراید گمان می رود که در این واقعه نقش عمده ای از طرف اکراد شده باشد.

اکنون این واقعه هم پایان یافت سر لشکر رژیم آراه بطور اتم مراجعت کرده و آقای فاضی معتمد هم قریباً برای ادامه مذاکرات خواهد آمد.

این موفقیت باز دیگر بما فرصت میدهد که آمال ملی مردم کردستان را که حفظ صلح و آزادی و بهره مندی از دموکراسی واقعی و حکومت کرد بر کرد و وجود مأمورین صالح ملی در کردستان است بغولت ملی آنای توأم یاد آور شویم.

ما انتظار عملی شدن این ایده های آزاد را داشته و منتظریم این نکان که آمال ملی مردم کردستان است بر سر حل و نیوت برسد.

پیشه وری رهبر فرقه دموکرات دکتر سلام جاوید استاندر

آذربایجان

پیشه وری رهبر فرقه دموکرات از قبول شغل دولتی امتناع کرد و می گوید که کماکان رهبر سیاسی فرقه دموکرات است.

پیشه وری در پاسخ به خبر رادیو تبریز اظهار نمود که در این موقع که تمام ایران راه آزادی را پیش گرفته است اجازه نمیده که در حقیقت هادی خلق می باشد منضمی است رهبر مستقلی داشته باشد.

دکتر سلام جاوید برای استانه داری آذربایجان ( استان ۳ و ۴ ) انتخاب و به زودی حرکت خواهند کرد حل کامل قضیه آذربایجان و هم آهنگی کامل کلیه مناطق ایران با آذربایجان مزمه جانمیشی است زیرا آذربایجان همه وقت میتواند تکیه کلاه واقعی آزادی و استقلال و سر ایران باید محسوب گردد.

تفسیر تحولات سیاسی جهان

کنفرانس پاریس

در کنفرانس پاریس چیزی که بیشتر از همه مورد توجه است بیان صلح با ایتالیا میباشد بیان نامبرده از پنج بیانی که مقدمه اش بر اثر مذاکرات اخیر تهیه گردیده است بر اهمیت تر میباشد آزادی های خارجی از نظردور نمای تبدیل روابط زمان جنگ به دوران صلح و همچنین روابط متقابل دولتهای متفق برای این موضوع اهمیت کفرالی قابل هستند

اوضاع جنرالیای سیاسی و اقتصادی ایتالیا و انتخابات اخیر ایتالیا و پیروزی جمهوریخواهان و لنو سلطنت محافل امریالیست را بیستک نموده و پیمان صلح را با ایتالیا بزرگ جلوه میدهند. احمده غرامات شوروی از ایتالیا نیز مسئله مهمی است برخی از جرائد انگلیسی دولت شوروی را منتم میکنند که غرامات سنگینی از ایتالیا درخواست نمود ولی اگر کسی بپرد گرفته شود معلوم خواهد شد که درخواستهای دول دیگر پیش از موضوع مورد درخواست شوروی است و در خصوص مستمرات ایتالیا نیز نایته امریکا پیشنهاد نمود که بحث در این قضیه یک سال عقب بیایند و اگر در خلال این مدت توافق نظری حاصل شد یک کمیته بین المللی تشکیل شود تا این مستمرات را تحت نظارت مستقیم خود قرار دهد.

موضوع جزایر دود کاریزم-ورد بحث است تسریست مسکوت است بیست المللی بشود - پیشرفت کنفرانس امید بخش و می توان به سر نوشت این مذاکرات بیش و کم مطمئن بود در پیرامون بوب انمی؟ بیساتم در سر نوشت صلح بینهایت مؤثر است و این نیروی غیره کننده و

احلحه غیب الواری عصر نوین شده است.

چندی پیش ناینده امریکا پیشنهادی بسازمان ملل متفق داده که کمیسیون برای توسعه انرژی اتمی ایجاد شود ناینده شوروی این پیشنهاد را رد کرد و طرعی سازمان داد که این نیرو مانند گلا های مسیو سابر میکروب های امراض ممنوع گردد این دو پیشنهاد اکنون در کمیسیون های شورای امنیت مطرح است و صلح کنونی سنگی تمام باین قضیه دارد و این مسئله از دو صورت زیر خارج نیست.

۱ - باذوات امریکا اسرار بیست اتمی را در دسترس تمامی دول خواهد گذازد.

۲ - با بیان اسرار و برای خود معلوما نگاه خواهد داشت.

عملی نبودن این دو نظر از دیده سیاستمداران امریکایی مفاد و معانی دارد که در همین اینکه قابل قبول نیست مورد توجه است ولی در هر حال باید توجه داشت که نیروی اتم در سر نوشت جنگ آینده و در دوران صلح کنونی اینقدر ها مؤثر نیست بلکه نیروی که ابروش آن جاودانی و غیره کننده است نیروی آزادی واقعی و انرژی قابل توجه نموده های آزادیخواه جهان است و بیست.

مفتی اعظم را بشناسید؟ فرار حیب مفتی اعظم فلسطین حاج امین الحسینی و پناه او بولک فاروق با دفاع مصر جزو اسرار سیاسی در وقت اخیر است.

مفتی اعظم از سیاستمداران مشهور شد انگلیسی هرب و در ما بین ملت های عرب محبوبیت خاصی دارد - ملک فاروق از تسلیم او خود داری میکند و اسبیل عدلی پاشا صریحا اظهار نمود و شرارت دولت مصر را ایدار میکند که از مفتی اعظم فلسطین حمایت کند و خود مفتی اعظم یاد کرد موفقیت حساس کنونی مصر و نتایج خود را تطبیق خواهند داد - ما آنچه هایت است مهران عزیز است فرود گذار نخواهیم کرد و مقام و موقعیت او مورد حمایت ملک فاروق قرار خواهد گرفت.

مفتی که از طرفداران جدی وحدت ملل عرب است از کلیه دول خارجی منتظر است او در نظر دارد از دول شبه عربستان یعنی مصر - سوریه - لبنان عراق - عربستان سعودی - مالوره اردن بین اتحادیه واقعی تشکیل دند ولی باچه حد موفق خواهد شد معلوم نیست و آیا واقعا سیاست انگلیسی در عربستان این دشمن نوی رابع سیاست قدیمی خود تشخیص میدهد یا خیر و اینکه در صورتیکه او را مدد در ضد خطر ملک میداند چگونه با اجازه حمایت داده میشود و با این وسیله ها بازی مشغول کننده و خطرناکی برای فریب مردم - عرب پیش نیست - جواب آنرا آینده خواهد داد.

چند دوره سال اول روزنامه کوهستان جلد کرده موجود است کسانی که هایل باشند با ارسال سیصد ریال میتوانند یک جلد از آنرا بدست آورند

### تاریخ وریشه نژاد کرد

(۲)

برورد گوتی، کوتلی و دومیان کوتلیها لفظ گورتی پیدا شده است. تیکلات پلیر اول در حدود ۱۰۶۸-۱۰۶۸ قبل از میلاد اشاره به جنگ خود با طایفه گورتیه نموده منطقه گورتیه را کوهستان های آرزو امروز ملارو نام دارد. گفته است و فرال آسوری **گوتگوتی** - اینلورتا هم از یک واژه در دو جا بحث کرده در ضمن نام کوتی را در یکی کوتی و در دیگری، گورتی دیده شده است.

مهر کتاب «الغوام در یونانی ها» از اژداد کوتی بودن کردها را با دلایل بیان نموده است معلوم میشود کوتی با نام طایفه ای از کوتلیها بوده است و یا لفظ کوتی برورد در بعضی جاها کوتی شده است.

برای مهاجرت کوتلیها از جای دیگر باین سر زمین ویژه ای در دست هست خبرات و اکتشافات در مناطق مذکور ملت دیگری قدیمتر از کوتلیها را نشان میدهد. با این نظر است که دکتر سپایزر مادها را شش هزار سال قبل از میلاد در کوه های زاگروس تشخیص و در ضمن دو کوه نشان را نشان داده است.

ملی زبان شناسی نظر بر اساس عامه کوتلیها که از لفظ های زیر شاکی بدست آمده است آن قوم را غیر از سامی نژاد تشخیص داده اقوام آریایی نام نهاده اند و کوسیها را که بندهادر صحت جدال بین انبیین ظاهر شده اند مطلقاً از آریاییک و آریایی قبول کرده اند چیزی که هست اگر بنامهای آریاییک در قرن دوم ممکن است ارتباطی با کوتلیها را با لفظ آریایی پیدا کنیم:

۱- در کردی پیوستگی نژادی و تاریخی او میگوید:

در آثار قدیم بابل کنیزکان کوتی نژاد راستودانه و آنها را هامرگوتی خوانده اند که بنامی صاحب پشه یا موی روشن است از این جهت با زبان سومری و آکادی تفاوت کلی داشته اند

لفظ مامروا با لفظ مامروا امروزه به تنهیم در تلفظ و در ضمن تفاوت فاشی لغوایم یافت.

۲- از نام پادشاهان کوتی **شرک** و **با شارلاک** یا **الامیراب** **تیریکان** را می بینیم که آنها را اساساً میشد آریایی دانست در کله شرک قسمت اول که در سر است با لفظ (گر) لرانوسی یکی است و بنامی جنگ میباشد ملت کرد امروز هم جنگ را شر میگوید «لک» سدهزار است که حالیه هم در زبانهای آریایی هندی و کردی مستعمل است بنابراین شرک یعنی جنگ سدهزار است احتمال این اسم در میان نواده های کوتی هم بهراموشی برده بوده است. در عهد طولایت سلانویه که از اکراد دیلمی بوده اند نام بعضی از سرداران ایشان «شرهن» بود که در سنی با شرک

تفاوتی ندارد «هن» از (هها) یسان سکریست آمده است در اوستا هازا و در کردی هازن شده است که بمعنی بزرگ میباشد بنا بر این (شرهن) یعنی (جنگ بزرگ)

در الفاظ **لا سیراب** و **تیریکان** هم علامت آریایی هویت است و مثلاً در عهد ساسانیان جشن تیر ماه را تیریکان میخوانده اند

۳- در عهد فارامین نام یکی از دشمنان **پوتی** عادل و نام ایالت او **نهر بود** همانطور که فرانسویان کوچک را **پوتی** میخوانند کرد های شمال خصوصاً ایل جلالی دختر بچه کوچک را «پتی» میگویند که یک لفظ آریایی قدیم باشد. از کجا معلوم که کله اول پوتی مادال از منشاء پتی باشد.

لفظ مادان هم ممکن است نام یکی از خدایان قدیم آریایی مانند هاترا-هیتریا بوده باشد که در این صورت پوتی مادان بمعنی خدای کوچک خواهد بود. در اینجا جادار دستله **نهرود** هازر بیاد آورد با لفظ **نهر** و خدای کوچک مقایسه نمود چون در موشوع نهرودها در آخر

این مقالات جدا گانه بحث خواهیم نمود

فلا توضیح بیشتری بدهیم لفظ **سور** یا **سور** کردی امروزه

یکواست و بمعنی زنده باد است

۴- در زاگروس شخصی بنام **آریزن** پادشاهی میکرد است آریزن با لفظ **آریزانت** که نام یک طایفه ماد بوده است تفاوتی ندارد

۵- **اوتون** **لوسال** نام پادشاه

ارخ دهمر بیست و پنج قبل از میلاد بود

در قرن دهم میلادی نام چند پادشاه آلمان

**اوتون** بود که از ایشان اوتون دوم

در سال ۹۱۲ میلادی **تیوفانو** دختر

امپراتور روم را گرفت

با این شباهت طوایفی که این اسامی را استعمال میکرد هم شک و هم جوار

حتی هم نژاد و خود کوتلیها بوده اند و اگر آنها را از زاد آری شناسیم ممکن

است به طایفه پاشی

بماد کوتلیها، کوسیها و کوه های

زاگروس ظهور و در صحنه بین النهرین

عرشاند نام کرده اند. پادشاه **لولوی**

«**آنیوالی**» را در نقش در سریل

زهاب از خود یادگار گذاشته است

برورد پادشاه کوتلی دانسته و شهریار

کوتلی شده اند. از این جهت تردیدها

یک نظر تاریخی مثل مثل جهان ثابت میباشد کسانیکه در مدار زندگی دارای عنوان شده و اسم آنها جاویدان مانده فقط بیاس مبین برستی بوده و این صفت بارزه از خلال و ماورا کردار و رفتار آنها هویت است. ناپلیون نادو - فرانسوی اول - ژول سزار - کریم خان زنده - فردریک کبیر - شاه عباس کبیر - پتر کبیر - صلاح الدین ایوبی - محمد علی پاشا خدیو مصر و غیره با اینکه این نامداران بیشترشان دست بجهان گشایی زده و اضطراب و تشویشی در قلوب سایر هنرمندان بشر کرده اند ولی مقصود مرام آنان غیر از عظمت و ترقی و تعالی وطن خود بوده است که خواسته اند بدین وسیله مبین خود را بخوره اعتلاء و عظمت برسانند و ملت خود را بر سایر ملل فرمانروا نمایند همچنین بزرگانی که از طریق علم و ادب - و صنعت و اختراع و فن - شهره شده اند غایت آمل آنان سرافرازی مبینشان بوده و بالنتیجه افتخار زحمت و تعب آنان هاید آ - و شاکشان گردیده :

ساکنین آن منطقه پتی کوسی هارا هم بنام کوتلی بنا معرفی کنند.

۶- در ولایت و زری افغانستان

که در نزدیکی سرحد هندوستان است

امروز یک طایفه موجود به **پیر گوتی**

موسوم است و در قسمت هندوستان متصل

بسرهای افغانستان و بلوچستان منطقه ای

وجود دارد که گفته نام دارد. نظر

بقیته قوم کرد که در تاریخ (کرد و

کردستان) چاپ شده گفته این محل را

کرد های **پز اخوی** که قسمت اعظمشان

در بلوچستان سکونت دارند تشکیل

می دهند.

مکان اصلی کوسیها هم کوه های

زاگروس شناخته شده تقریباً چهار عصر

پیش از حرکت کوسیهای بحر خزر نام

معنی در شمال ایران گاشن بوده است

که با گاشو یکی است در آن زمان قدیم

قسمتی از کوسیها در محل مذکور موجود

بوده اند بنظر نگارنده این کو سوها

از کوتلیها میباشد که قبل از این حیلان

و انسخیر و بالاخره از دست داده بوده

آنها بیکه در کوهستان حیلان مسکن داشته اند

از مرکز خود جدا و بنام ایران دولت مستقلی تشکیل داده بودند

### هم - زمین

چه از حیث انتشار و آوازه و چه از جهت اقتصاد و بازرگانی - شعراء نویسندگان - مفسرین - مکتبیین - در درجه اول مبین خود خدمت کرده و در مرحله دوم بسایر ایانه نوع بشر : با این مراتب مستقیم و غیر مستقیم هر قدمی که از طرف افراد و اجتماع برداشته شود که دارای فواید عمومی بوده و جسمی از برتر آن استفاده نمایند خدمت مبین است حتی صاحبان کارخانجات رومالکین و زارمین و بازرگانانی که بوسیله در تکثیر و ترقیب شغل و فن خود سعی و چاهد بوده و خد اقل یکمده پنجاه نفری در قیام آنان استفاده برده و با تولید و تزیین کالا و صنایع خود بسایرین خدمتی نمایند.

میتوانند جزو خدمتگذاران

همین برخوردار باشند :

۱- اکنون بشر حال کسانیکه مستقیم

مستقدا امر و توقع زده گانی خود را

سراسر وقف خدمت بوطن نموده اند بر

میکردیم تا غلغله از فتنه آگاهی این برر گواران

و انتقارات به سوس کرد و زوایای تاریخ

شامل حاشان شده تلکاری داده باقیم

جان همین و آن پرست انگلیسی را هیچ

فرد انگلیسی نیست که نشاند در عصری

که شارل اول پادشاه انگلستان با به خود

سری استبداد را گذاشته بود و هرگونه

کاری را در دست کار دولت میخواست منحصر

بفرمان و اراده خود نماید جان همین

قد مردانگی علم ساخت که در برابر

پادشاه اظهار وجود نماید وطن و هم

وطنان - خود را از زیر کابوس مطلق

الضالی پادشاه غلامی بخش :

۲- جان همین در اسکاتلند (بو کینگام

خاير) متولد شده و در سن سیزده سالگی

از شهر خود بوکالت پارلمان انتصاب شده

( مولف در اینجا شرحی را بنی بر گیاست

و درایت ملت اسکاتلند که بدون نظر

و تمییز فقط از روی استعجاب و لیالت

یک جوان سیزده ساله را بوکالت انتصاب

کرده و بریش و شتم و سن وسال اغفال

نشانده اند ) مینگارد ، چون از منظور

ما خارج بود حلف میشود

در همان تاریخ پادشاه انگلستان

مالیات گزافی را بملت تحمیل نمود تنها

جان همین برای فرمان اعتراض کرد

تا اینکه زندانی شد و معاکه اش برای

رفع سایرین بحضور پادشاه حمل آمده

و جان با گمال دلیری و بدون پروا بچوای

مبادرت نمود : اگر چه شاه بالا بچار

مالیات را گرفت ولی آواز مبین برستی

و ملت دوستی جان همین سراسر کشور

را فرا گرفت و برهنگی پایه تحت شارل

از همان روز متزلزل گردید :

۳- **آز هایدشت**

آقای خدا کرم محمد یور سرخا بط

املان معروف به - پینتلی شانی اظهار

میدارد که پس از اینکه املاک نامبرده

به صاحبانشان آقایان پالیزی واگذا رده

اداره املاک طی نامه ای ابلاغ کرده

است که حقوق مشارایه را باید آقایان

مالکین بپردازند ولی چون از مراجعات

خود نتیجه نگرفته تنازائی وسپه کی نموده

است .

### راجه بین مالک و رحیت در کردستان

بادآوری عبارت نون خاطره بسیار بدی در بن ایجاد می‌کنند چون از ادمه این وضع بیناک و برعکس به آتیه و آبادی مسقط الراس خود علاقه شدیدی دارم اینک روابط مسوولستانی کردستان را برای قضاوت عامه از نظر تاریخی « کردستان » میگردانم . این جمله را نیز می‌نویسم که تنها راه احاشه خود و اجداد از طریق مالکی نامین میشد چون ادمه این روش را باین نحو ناپسند میدانم لذا مجال گله‌گی را بر خود پاتی نخواهم گذاشت زیرا هر آتیه شخصی بر حلیه خود حکم کنه جای شوره گیری به حاشیه نشینان پاتی نخواهد ماند .

بگذارید در دهای اجناس خودمان را خود بیان کرده در لباس افتاد در آوریم زیرا امروز که تقریباً درجه فاصل دوزخ را در انتهای یک چنگ بزرگ بخوره صلح می‌رسیم معایب دستگاه‌ها را قبل از اینکه بگردان آریز داره اعتراف نموده و بجایای عرشه بداریم نداشتن آتاکه در تمام شتون حیاتی دیبا زارت نیگونی داشته و نظر دورانه بشواریک بین خود را بقدری صیقل داده به کشف مهم گسارده‌اند که از میکروبی‌های ذره بینی تا اسحاق زینت را تسلیم اراده و مشیت خود فرار داده و تابع دستوروات و نظامات نیگونی خود گردایده‌اند بحال ما مایه که ایسی و اینکه از تمام مرایای حیاتی امروزی محروم هستیم ملیه واقع شونده دانسته مارا از این فقره بریشانی و از این فرط سرگردانی به شاره‌ها سادت هدایت نمایند این همه املاک را که سرمایه خدادادی و طبیعی است بشو از مالکین بیش از این عاطل و باطل حیس و ضبط ننوده بر ایشان بجزایر صبح بهره برداری گذارند تا این تیروروش در ایجاد نوع مولده قادر باشد که سبسی از این همه نثر و مسکت مارا مرتفع و بتول وانی آنان بیفزاید .

بگذارید همه این حقیقت تلخ را بشنوند ا رحیت در کردستان دارای هیچ چیزی نیست جز زن و بچه و نمدادی ذی روح ( اگر دارا باشد ) در عفت آسمان ستاره ندارد و هرگاه توانسته باشد چنه چریب زمین را با گاو آن زمان چنه کشت نماید خود را صاحب آن ندانسته و با هزاران نشت رای و دولی تاسر غرمین بطور عاریه خویش را دارای آن محصول میدانند .

اگر جزئی حقوق اعیالی برای پاره و عابای بستی نواحی منصور بود با تاسیس اداره ثبت اسناد و آگاهی به مورد آن مالک بر آن شد بهیروسیه که با شاره‌ها را از آن منقصر بی نصیب گرداند تبری در آزادی عمل بر حلیه و عابای اجناس ناشی از دوره بیست ساله گذشته بود که برای جلوگیری از فکر انلاقی هرگاه رحیتی ادعائی داشت هر اندازه هم در کنار خود صادق بود در غه کردن و پایمال نمودن حقوی مساجت میشد و همین امر موجب گردید که از حق اعیالی که مسول اغلب زا رحیت

دیباست محروم گردیده غافل از اینک سلب علاقه از رحیت اینهمه خرابی را بیار می‌آورد . چاره جویی برای موضوع فوق از آن قبیل چیزهایی است که در دیال چنگ های بزرگ برای ساکنان دیا پیش می‌آید و باید برای مبارزه با فشار آنها آمادگی خود را طوری هم آهنگ دیبا یان قرارداد که بیش از این قواغل ترقی و سیر تمدن عقب نماند

راجه بین مالک و رحیت یکی از جمله کارهایی است که چزه بر گرام اصلاحی آقای نخست وزیر میباشد و در این مورد برنامه‌انداری دستور صادر گردیده تا نظریات مختلفه که ناشی از مسوولان عامه نواحی است در یک جا متمرکز و مایه تمسیم بر سر گردان بانک‌ها من تراخی فراموش و میسر گردد . بر روی این دستوروا طرف مالداری جمعی دعوت گردیدند تا در این مهم تبادل افکار نمایند . چون نگارنده نیز جزء مدعوین بودم طریقه‌ها با بیان شفاهی بازه از نظریات خود را ابراز کردم حال خنده‌ام وارده و حقوقت ذیل اظهار و تیرس می‌رسانم :

- ۱ - رسوم و عادات متداوله نواحی مسئله در بین مالک و رحیت کردستان
- ۲ - نظریاتی که بقصد ایجاد یک مالک عمل آتیه تواند بود .

#### قسمت اول

در کردستان مسلمان زمین های بزرگ وجود دارند و میتوان گفت که بطور عموم خداوند در تقسیم و توزیع زمین بیت ملاکین کردستان یک اصل مخصوص را مرعی فرموده است یعنی یک دست ملاک یافت میشود که دارای همه گونه ملک و زروع ( آبی - دبی - کوهستانی - جلگه ) میباشد . دست زمین ، عدم اطلاع کافی یا نداشتن فرصت و مجال رسیدگی و بهره برداری باعث گردیده است که این دست از مسالکین اصولا نمی توانست از این نعمت شادادای بهره مند گردند .

ایته این محرومیت بی‌رحمی دارد که ذکر آن مایه اطاله کلام خواهد بود بنابراین مالکین مزبور در ضرورتی بیچاره پدرانشان نیز یکبار توانسته‌اند عمل را دیده و از نزدیک این پشیمای خدادادی یا گنجهای کم کرده خود را بچشم ببینند و در سرخوش آن موثر باشند با اصولا در منز خود نقشه تازه را برای این خاکهای پر قیمت طرح نمایند .

ناگفته نماند قانون مالکیت و عدم توجه دولت خصوصا نواحی قوا این ضرران و آبادی وزارت کشور و نبودن وزارت کشاورزی موثر و مفید در این فراموشی و عدم توجه با ایجاد علاقه ا تربه سزایی داشته است . چه در ملکیت فلاشی بودن اصول سندی و آبیاری اسلوبی یا سایر اساس کار نلاحت مدون و زراعت با استفاده از نیروی جوانی بدون وجود کوچکترین ماشین‌های فلاشی یا عدم بازار کافی و خوش منانه فراورددهای کشاورزی به بیلاکگی ولایتی‌ها که

### پیشنهاد راجع به تربیت ایلات و عشایر غرب

در این موقع که چند مقاله راجع به طایفه سنجایی نوشته شده لازم است که نظر کلی خود را راجع به تربیت ایلات و عشایر غرب اظهار کنم که کم و بیش به تمام طوایف و ایلات ایران ارتباط دارد شاید مورد توجه دولت مسئولین امور هدایت خودروسا و اهالی ایلات بشود بدیهی است بقاء زندگی ایلی بصورت چادر نشینی گله‌داری و بطور خان عالی کم و بیش یک نوع ملوک‌الطوایفی است که در دانشه پند کشور برای یک ملت متهمین و منقسی قبل دوام نخواهد بود

مسئله ایلات امروزه برای دولت و ملت ایران یکی از مسائل قابل اهمیت است ولی حل آن بیچوجه بتربیع نیست و فقط برای اجرای آن قدرت تمام باعداالت لازم است ممکن است برای اصلاح وضع عشایر سه راه در نظر گرفت اول طریقه که غالباً خود اهالی ایلات و عشایر مقصود روسا و خوانین آنها دارند که آن ابتقا و تشدید زندگی ایلانی و صلح بودن ایلات و تشکیل حکومت‌های عمل و دستگاه‌های شبه‌دولت و در داخله مملکت پائیم عوارض و مصلحت آن است چنین روشی برخلاف مصالح عشایر بوده و مانع از پیشرفت آنها است و بر خلاف مصالح مملکت و بالاخره غیر قابل دوام خواهد بود عده زیادی از ایلات روشن فکرمین جمله (طایفه سنجایی) منوجه این حقایق بوده و خود را برای زندگی جدید متدنا نه خوبی آماده کرده‌اند

وامه زودم آن است که اعلی حضرت پادشاه قیصر نظر داشت و آن وقت غایب سائن ایلات در نتیجه زور فشار وحس و تیرمیکو کواچان دست جمعی و مسلطاستن مامورین دولتی و زانندارم و بالاخره امتناز یات خائانه تشدید در ایلات و عشایر است چنانکه تمام خواننده‌گان محترم سبوق هستند و در هیچ دوره از تاریخ ایران

نموده مجموعه این بی خور بهامو بیانی را فراهم کرده که مالکین بزرگ املاک مغربیه و نادیده خود را یک گمشدگان و مستاجرین سیرده و آنان نیز بهسر حوی که دلقوا هشان بود بدون اطلاع فی صحیح در کار بک متشرعیت بیچاره و بدون حق را بکار کشیده و بشیره آنان را میکشند . رفته رفته این عوامل و هزاران گرفتاری دیگر باعث گردیده که املاک زرغین کردستان بشکل فعلی تبدیل به تل خاک و ویرانه‌های چندلشتین شد .

باید باین عوامل فشار مامورین دولت را از وادارم گرفته تا مامورین آمار و غیره و غیره اضافه نمود این جریان فرم مخصوصی بود که در نواحی فلاشی موجب این منظر تاسر آرد و اراهم کرده لیکن در نواحی مرزی غیر فلاشی نمونه‌های بارز تری از خشکی مساملت با دگانها و پاسگاهها و تهاجم و غارت و اشکال تراشی‌های ششن تیری با یک طرز بسیار ناپسندتر و ناروا تر آن فراهم و خراب و بدست ویرانی سیرد خلاصه از مجموعه این کلیات دهاتی بشکل امروزه ترک بی‌انتیهای اجناسی و اداری برای کردستان پاتی ماند .

بقیه دارد

ترکزی بالاتر از ترکز دوره پادشاه سابق وجود نداشت و در هیچ عصری دولت مرکزی باین پایه قدرت و نفوذ نرسیده بود و در هیچ زمانی ایلات و عشایر باین حد متکوب و مغضول نشده بودند مثلا لک چون سیاست خشونت آمیز در ایزمیه ریشه اساسی نداشته و بایه آن بدالت و فرهنگ و بخصوص بر اصلاح اوضاع اقتصادی اتوار بوده بجز از هم کسینت قدرت دولت مرکزی چه‌دا زندگی ایلی و عشایری در سرتاسر ایران برتیب سابق از سر گرفته شده و این خود دلیل روشنی است که این سیاست و راه حل نیز صحیح نخواهد بود .

امارامله سوء که بادر نظر گرفتن اصول دموکراسی و مشروطیت برای ادامه امور عشایر پیشنهاد میشو این است که اداره امور ایلات برتیب امین های ایالتی و محلی بشود آنها و گذار شود باین منی هر ابلی را که از چندین طایفه و تیره ترکیب می‌شود از هر تیره یا تاشاد خودشان یک نفر نماینده منتخب شود مجموع آنها امین محلی ایلی و برای مدت دو یا سه سال تشکیل دهنده آنان هم از بین خود یک نفر و اسر برستی بر گرفته و بدولت پیشنهاد نمایند تا حکم انتصاب او بشودان سرپرست یا بهشدار یا همانندین دیگر از طرف دولت صادر شود .

سرپرست این موظف خواهد بود که بر طبق قوانین و مقررات دولتی و مطابق امین‌های ولایتی امور ایلی را مرتب و منظم نماید لکن آئی که برای حل امور مشکل عشایر باید مورد اعمال توجه دولت قرار گیرد توسعه و بسطو تمسیم قلمرو است که بوسیله امین های محلی موجب دولت باید مقرراتی وضع شود و هر از برای املاک و ادارات متکین محلی اختار برای تعلیم و تربیت و تنظیم و ترتیب امور بهداشت آنان صرف بشود مسئله بیشتر اصلاح اوضاع اقتصادی اساسی و این هم در نتیجه پیشرفت فقه‌های اساسی هر ان و اقتصادی صحیح و توسعه اعتبارات بانکی و تاسیس موسسات اقتصادی منعی بتناسب اوضاع اقتصادی هر محل خواهد بود باین ترتیب مردمان بیکاری در آمد بزرگی جدید و باصلاح وضع مادی و مستوی خود موفق شده و بتدریج در کوتاه ترین مدت مسئله عشایر بقدری خود حل شده و سول سایر هم میبتان خود بزرگی هادی و اجناسی علاقه مند می‌شوند

لکنه دیگر که می باید بآن توجه کرد موضوع غلبه سلاح ایلات است مردمان ایلی بفتنگ و سواری و تیر اندازی و شکار ملایه کامل دارند این مشق و استقامت و بیادبغه گردولی اسلحه اینکه غالب اسرر جنگ‌های داخلی و برادر کشی و با بر علیه دولت بکار برده میشود بایه دوست آن هاباتی بماند باین جهت باید وزارت جنگ مطالعه کرد . و اسلحه‌های شکاری با سایر کوچک که برای جنگ قابل استفاده باشد ولی برای شکار و تیر اندازی و تیرین بتوان از آن استفاده کرد با پروانه‌های رسمی یا شکار مشغول و ایلات مطیع برای قبول تمدن بدهد باین ترتیب هم خطر تبلیغ عشایر زائل شده و هم آنان از دوروش هادی خود محروم نخواهند بود .

بزم آقای محمد مروغ آینه کردستان

### کرد و کردستان سنه اردلان

- ۶۰ -

#### حکومت شاهزاده معتمدالدوله (فرهاد میرزا)

پس از فوت غلامشاه خان والی به قاضی نامه شاهزاده حاج فرهاد میرزای مشه‌الدوله همونی ناصرالدینشاه بحکومت کردستان معرفی شده میرزا زکی‌وخان خانان از راه گروس و هسبار تهران می‌شوند مشه‌الدوله هم در تهران معتمد علی‌شاه پسر رضا لیلیان والی را که خواهر زاده او بوده برهنگی اوج ظفر کردستان بر قرار می‌نماید و از تهران حرکت کرده روز چهاردهم ذی‌قعدة (۱۲۸۱) هجری وارد سنه دوشنبه دروز روز و رود که صوم طه‌ای و ایمانو اشرف کردستان حاضر حضور بوده‌اند درواشن بیانات خود می‌فرماید ( تا من در کردستان هشتم باعدی دروغ نیکویم و منتظرم که اهالی کردستان هم بن دروغ نگویند . اگر دروغ کسی نزد من آشکار شود از ظلم من مطرود و او را همیشه دروغ گو میدانم )

این بیانات در قلوب اهالی تبریز شده تاو حکمران کردستان بوده باز او مدق و راستی رواج غریبی پیدا کرده است پس از سه‌ماه حکمرانی شاهزاده مشه‌الدوله با مقصد جیتی بزم سر کتی مریوان و باز به قلعه شاه‌آباد و مبارک‌آباد رسیده شد حسن سلطان اورامی که سالها از حکام کردستان روگردان بوده با پیرامیک و مصطفی بیگ برادرانش و یکپوزار تنگکچی و حضور شاهزاده می آید شاهزاده از وضع تظاهرات خواین و حرکت و حیثیات تنگکچیان باطنا آزرده شده نزدیک بقریه ( پیلک ) که یکی از فراد مریوان و نزدیک سرحد است وارد می‌شوند منزل شاهزاده را در مسجد قریه می‌دهند شب‌رادر آن مسجد بسر برده‌اند بزین‌الابدین خان فرشباشی خود دستور می‌دهد که پنج‌شش نفر فراش را با میر غضب در قیوم‌شاه حاضر کند هینکه حسن سلطان و برادرانش بلبوه خانه می‌آیند که قهوه بخورند هر سه را زنجیر کرده حسن سلطان را طناب بکنند فرشباشی بر حسب دستور رفتار می‌نماید صوم تنگکچیان او را می در بسته‌اند می مسجد صف کشیده منتظر بیرون آمدن حسن سلطان می‌شوند ناگه فرشباشی حسن سلطان را بیرون کشیده جلوفتک چیان می‌آید از تمام آن یکپوزار تنگکچی بعضی مشاهده کنش رو فراد می‌کنند شاهزاده پس از این موفقیت برادران حسن سلطان را مغرورا حرکت داده بسوی سنه دز مراجعت می‌نماید خود شاهزاده دراج باین قضیه سروده است

ببود کار چنین صعب‌برد اهل شره خدای خواست چنین کار صعب شد آسان چه حکم آیه شد ها بقوتی آمد که بود من صریح از خدای مردود چنان بسال فرد پس از الف دولهار غیب که روز یازدهم بود از سه فرآن بحکم رفوق فرهاد و قسمت بردان

به پیلک اندر مقتول شد حسن سلطان این قضیه صوم طوایف و سر نشینان را مرعوب ساخته همه اظهار اطاعت می‌کنند .

اورامیها نیز بایمید این که شاید دو برادر حسن سلطان مستغلم شوند بیدام اطاعت برآمده مدت یکسال جهو گوش می‌کنند ضامن و پیشکش می‌دهند نتیجه‌سی کبره‌سی از یاس پلای تخت و تاز می گذارند در زمستان همان سال شاهزاده آبار مریوان بجهت عدم مراقبت خراب می‌شود از طرف دولت امر میرسد که آن را تسخیر نمایند حاج مشه‌الدوله بافرخان نوه معتمد حسین خان صدر اضفهان را بحکومت مریوان و مامور تسخیر قلعه می‌نماید پس از رسیدن باطنا او را می‌دهد برمی‌آید که او را بیکرو برادران حسن سلطان دستگیر و توقیف کنند

معتمد بافرخان تسخیر آن مطلع شده بعضی خود می پردازد و مراتب را شاه گزارش می‌دهد شاهزاده بدون اجازت مطلب روز جمعه ۱۳ محرم ۱۲۷۶ با عده ظیلی از کردستان ها و یکمصد ظر سرباز از راه (سور کول) بیابان مریوان روان می‌گردد شب دو شنبه ۲۶ شهر مذکور در صحرای مشهور به (شیخ سلیمان) واقع در نزدیکی دهکده (اجنه) قیبه و حرکت زده منزل می‌کند اورامی‌ها که می‌بینند قریب هزار تنگکچی را بیه که مشرف بر اردو بوده شباه سون می‌دهند و بانتظار شفق کین می‌کنند این خبر در بین ظن و یقین پهلای کبر خان شرف‌الملک و میرزا رضاعلی دیوان بیگی و کردستانی هالی که در معیت شاهزاده بوده‌اند رسیده فوراً مراتب را بشاهزاده اطلاع می‌دهند شاهزاده بقتضای قوت قلبی که داشت و توام با تفع سابق و فرود شاهزاده‌گی بوده‌اند مطلب را باور نکرده هر چه کردستانی‌ها اصرار می‌کنند او بر نفی و انکار می‌انزاید بالاخره شب‌را با مال بونگوسگر بسر برد و هنگام سر شاهزاده حضرات را طلبیده می‌گوید بجهت‌الصبح صادق دیدم و از اخبار کاذبه شب اثری پدید او نگردید

#### انظار سپاسگذاری

فامیل داغده‌ده خسروی بدینوسیله از لیاقت و مراسم مبارک و شاهانه و مقام وزارت چنگ که در مراسم تشییع جنازه برادر جاباز و شهید مریوان نست‌اله خسروی در سنه و سنته ج بوسیله بیستار سرتیب همایونی فرماندهی منظم لشکر ۱ و سرکار سرهنگ فرامرز ویس محترم ستاد لشکر اعلام گردیده نهایت سپاسگذاری و امتنان خود را بر عرض می‌رساند .  
شکراله خسروی

#### از طبع حریف

### «بر وطن»

بر وطن دایم کنه واسر دست او طلاه  
غم لیا سو ، آ آ او ، داخ و در دیش نامه  
ای وطن هیچکس به یزی تو زاریت بوجه  
تا بشینام شینه ییزم شینی کوینا نامه  
ای وطن دایشی فرامی توایی چون خوش بنگم  
نوک هیزی دلم و خاکت قلمه چارانه  
ای وطن کو بریم له بویی شوخی خاکه با که کت  
چون حکبه وصل و خاکت مرهس زامانه  
ای وطن شاهن عقل برسی له قاضی بکبانی  
جوابی دانه دردی مالام دلهی بریانه  
کوانی یاری من به یاری خوایاری بهم بلیم  
دردی ام دله حیالی بینی گشت بارانه  
ای وطن قسری بهشتی کواخولا مانه که کوبن  
من له هجرانه اشبو روز شیونو گر پانه  
ای وطن تا که ییم فرقی خیال و موسسه  
بونالی دست لایم کردی کردستانه  
ای وطن در حق به ذلت خاکت و صاحب‌حاله کت  
هر کو و بیجون خیالی گردش کیوان  
ای وطن شبیری زبان و بیاله و انانی زمان  
هان له کون تادنی کن ام‌ناله و اناناه  
ای وطن منم اکن من عاقبی دیدارتم  
هر گو و بزوانه قلبا آرزوی سونانه  
ای وطن ییزه «حریف» هل ساوه اتیالم له شو  
ایزیم رو سروه گو گو داخلی می‌دانه  
X O X

اشاره فوق را آقایوب . آزمون از سنته ارسال داشته‌اند

**انظار امتنان ایل سنجایی**  
اداره محترم روزنامه کوهستان  
با توجه به تدرجات شماره ۹۰ مورخه  
۱۳ خرداد ۱۳۲۵ و مقاله مندرجه  
بنوان کرمانشاه مشرک بقلم آقای سلیمان  
یونس از اینکه نسبت به حقون حق ایل  
سنجایی و مراعات از دست رفتن و داشتن  
فرهنگ و بهداشت آنان اظهار تأثر  
نموده توجه اولیای او را نسبت باستحقاق  
ملی سنجایی ها جلب فرموده اند صوم  
انفراد این طایفه از حسن یت آشنای  
یونس تشکر نموده و از توجهات ایشان  
و آن مدیر محترم تقداری می‌نماید و  
امیدواریم در عالم وطن پرستی و مین  
دوستی موفقیت یابند بتوانند در پیشرفت  
و اصلاحات امور سنجایی های میبند  
پرست توفیق یابند

حسین هزیری - معتمد بهنیا سنجایی  
- امیر بهنیا سنجایی - اسداله بهنیا  
- ابراهیم حسینی - خسرو صوفی - جهانگیر  
- بهنیا - جهان بخش هزیری - شریف  
- بهنیا سنجایی - چمر قلی خسروی -  
معتمد رحیمی

**سوء استفاده علیه همدردی**  
از سنته اطلاع [میرسد که آقای  
کلا فخری همیرد پیرستان شاهپور در امتنان  
مصعبین متوسطه اخذی نموده و رسا  
اوراق مصعبین را تصحیح می‌کند چون  
این موضوع به رئیس فرهنگ اطلاع داده  
شده جدا در صدد جلوگیری رسیده گی  
بر آمده است ولی گویا مدیر دوله  
ضیمرآ مدرسه دست از کار خود برداشته  
مصعبی که تمام سال در چنه درس منم  
نداشته معلوم نیست چگونه میتواند دو  
آخر سال از عهد بر آید .

و ای ازمیری گل توجه نماید

### آیا این مال الاجاره هاهم

**قابل تعدیل خواهد بود ؟**  
میگویند که در همان زمانه امری متر  
از دست های تابه بشیر خ ذیل مال اجاره  
می‌گیرد

- ۱ - دست مست ماهیانه ۳۵۰ ریال
- ۲ - دیواندرو ۲۰۰۰
- ۳ - مولا نباد ۲۰۰۰
- ۴ - دره زاپرت ۱۵۰۰
- ۵ - دست مرکزی ( اجاره نامه اش  
هنوز به ثبت رسیده است )  
و اضافه می‌نماید که برای پرداخت  
این مال اجاره ها از قریباده پنجماه ریال  
و سوار ۱۰۰ ریال اخذ میشود .

بین فرماده دست دیواندرو با  
فرماده گروهان چنی قبل بر سر افروندن  
مال الاجاره دعوا و گشتکشی در گرفته  
و بالاخره با وساطت زبانی رئیس دست  
دیواندرو فراد بر این شده که در مال الاجاره  
تیسری داده شود و بمان ماهیانه دو  
هزار ریال باقی باشد .  
خدایه به این کبه بر برکت  
بیشتر برکت دهد

**تشکر و امتنان**  
از وجود اهالی و آقایان محترمی  
که حضور و یا کتیا و تلگرافا در موقع  
بیماریم تلفد و اظهار لطف فرموده بودند  
صمیمانه سپاسگذاری می‌نماید و از آقای  
دکتر طبیب زاده و خصوصاً آقای دکتر  
وکیل که نهایت مراقبت و جسدت را  
در معالجه‌ام بنیول فرموده‌اند بی نهایت  
امتنان و تشکر داشته‌ام و مقتضیان را از خدای  
شرواستازم

جاس آزادپور

# نهیضت کردستان در راه عظمت ایران

حاصل سالها جنگ و کشاکش -  
معنیا خونریزی و کینه و عداوت ملیون  
ها گشتار هزارها خانواده بی خانمان -  
نابودی صدها هزار خانه و مهارت و شهر  
و قصبه مبارک ها خسارت منوی و مادی  
برای بشر بیچاره برای انسان ناتوان و  
بدبخت برای مردمان ششکش ورنجیده  
چند کله ظاهرا شیرین و منحس بنام  
آزادی برابری - تساوی حقوق زن و مرد  
برقراری رژیم دیکراسی تقسیم اراضی  
بین کشاورزان و دهقانان تبدیل اصول  
سرمایه داری توسعه فرهنگ و دانش بود  
که هر ملت و کشوری بقدر استعداد و  
رشد سیاسی خویش باید یا تحمل فدایه  
و مصیبت فراوان و وحدت و اتحاد از  
آن بهره مند شود و از هنگام پیدایش  
عالم تا اکنون هیچ چیز بدون زحمت و  
ایزاز جدیت یکس اعطا نشده و مثل  
عالمیه زردآلو یا گلو لباس حقیقت به  
خود نیوشیده است .

در زمانهای پیشین ممالک مشرق  
زمین خصوصا دولت عثمانی و سامانی  
و همچنین دوران فرمانروایی سلطان محمود  
غزنوی و نادر شاه افشار و کسریخان  
زهد و ... برابری بیشتر از باختر زمین  
هوش و ذکاوت و سیاست و علم و هنر  
داشتند اینده پنهان بر اثر ناانگیزگی و جهالت  
زمانداران ناغال و خودگی و سستی  
ملت و حرص استعمار طلبی دیگران اساس  
مدیثت و علوم و قدرت ما و از گسبون  
گشسته سلاطین و حکمرانان مستبد و خود  
پسند از جیران امر سوء استفاده کرده  
بر پشت ضعف و بیگرم ناتوان ایرانیان  
قرنها ناخست و ناز نمودند .

تاریخ میگوید سرزمین ایران در  
عهد شاهنشاهان کبیر داوای طراوت و  
زیبائی بی نظیری بوده درستکاری برهیز  
کاری راستگویی شجاعت فرهنگ از گزاین  
باستانی این قوم شمرده است علمای  
موبدان و موسیقیدانان و هنریشان کز  
دست مساران و مهنه سینه کاشهای یا  
شکوه و جلال پروردگاری و آبادان ساخته  
سرداران و سربازانیکه امپراطور روم را  
بزانو آورده و کله و آشور را شکست  
داده و شهر مشتک آتش را آتش زده  
اند همگی دلالت بر وسعت فکر و نیروی  
جسی ایرانیان دارد لیکن چه سود گذشته  
هر چه بود سستی شد و از ما سستی برسد  
پسندت کبیت میگویند هنرست چیست -  
کلاه خود را قاضی کرده بگوئیم در  
مقابل اینبه ستایع و اختراعات اروپاییها  
چه داریم و هر که برض بگردد ملت  
های اروپایی صمیم بگیرند از الاث و ادوات  
عسکی و کشاورزی و جنگی و نیازمندی  
های ماشین ما را معروف سازند چه خواهیم  
شد و چه باید بکنیم جواب این پرسش  
مثلی است در اینصورت شایسته است  
فداکاری و جاپازی پیشه کرد تا علاوه  
بر اینکه اختراعات قبلی را کسب کنیم  
خود بکاروان هنر و شوکت آفرینی  
ها نیز برسیم .  
امروز مردمان تمام ممالک جهان

با سرعت تصور نابدهری بسوی یکطرف  
عالی پیشرفته و برای تشریک سامان و  
وحدت ملل و عظمت کشور از هیچ کوشش  
روگردان نیستند ، جنگ مرک نیستی در  
قاموس آنها بنظر خالی و ترقی میهن  
معنی برزگر داشته و ترس و خوف و  
روئی نرا و گریز نبرد آلمان وجود  
خارجی ندارد غلامه پایه و بنیاد رفته  
های مختلف زندگی آلمان بکلی یا ما  
ایرانیا فرق داشته بپیچیده قابل مقایسه  
نیستند .

دولت پارلمان ، ارتش ، زندان -  
پلیس ، مدارس صنعت تجارت ، سیاست ،  
عدالت ، خیانت در ایران معنی و واژه  
اصلی را از دست داده و هنوز در خم  
یک کوچه این لاف زدن و تظاهر است  
ما هم خریداری نداریم .  
معیای تشویق برای تقویت ملت  
از ویلاد نفوس از روح ، یکلانی برادری  
هر روز به زبان عنوان و لبریک دولت  
و نفاق را تراهیم سوخته صدها حزب و  
فرقه و زبان و لیس و ملیت و هر نسب  
منه را بوجود آورده ایم علی الخصوص  
گروهی از مامورین کشوری و برخی  
انسان ارتش و زاهدان مردم که است  
مورد افش مهنی پیوسته گشته اند  
اختلافات مسلکی و دینی و عقاید و رسوم  
و خرافات بقدری در آذغان توده رفته  
دوانده که دیگر امید نجات باقی نمانده  
است .

اگراد بگواهی تاریخ مدت قریب  
به هزار سالست خون خود را برای  
استقلال ایران ریخته و مهن پرستی و ذاه  
دوستی و فرمانبری و اطاعت بقواین  
و مقررات را از فراموش کرده اند متاسفانه  
از سایر هموطنان دیگر زیاده تر زجر و  
بلا و بدبختی کشیده گویی خداوند متعال  
این قوم را تیره روز و بیچاره و ششکش  
آفریده است قیام اخیر آذربایجان که  
مهایاد و حوالی آن نیز شریک و همبیم  
بود برنجین و دشمنان ایران فرصت  
داد تا کینه و خصومت خود را نسبت  
با کردار علی نموده و آنها را در پیشگاه  
ملت و روح جاویدان لیگان خودار و  
ضعیف سازند غافل از اینکه جنبش و  
نهضت کردستان چون با اراده افراد  
رنگش و خشم ملت برپا شده امکان  
ندارد که خائبتین توانند با تانک و شمشیر  
و حتی انرژی اتیک هیجانات رانجیده  
گارا خاموش دارند . شماره ۶ روزنامه  
وزیر کوهستان که تا هر افکار آزاد بخوانان  
وز مردان کرد است حتما بخوانید و  
از جنایت و زوالت و بیشرمی پدانه بنان  
مطلع گردید قهرمان یکی از صحنه ها  
عبداللادر نام صابری است این شخص  
ماجرا جو و تبه کار ایام جوانی و شایر  
پشاکرد خیاطی و قاپانچی گری گذرانده  
سبب برای خدمت و ضیفه بنام بکسریاز  
عادی داخل محبط سرباز خانه شده و در  
ساز خدمت قانونی را بطور مرموزی بانجام  
رسانده بالاخره در واقعه شهر یور ۱۳۲۰

با حقه و تزویر و دستگاه مرحوم سرتیپ  
ارنغ وارد و با تمام قوا کوشیده از روی  
ویا و مکاری و بیسوادی و سخت طینت  
بکسرت مردم مصوم و بینوا را بسپاه  
چالهای زندان گسیل دارد عبداللادر  
صابری برای پر کردن جیب و خوشترقی  
بفرماندهان زهره صل زشت و خرم آوری  
کوتهای نشوده با کمال قساوت قلب و بی  
رحمی خانواده های پیشنار بر با بخت سیه  
نشاده است اخیرا از نوبت دیکر اتیک  
کردستان شمالی استفاده کرده حد ها  
مرد و زن را بجهت همگاری با دیکر اتیک  
بزدلان و تبید و دیار هم و هم بار ساخته  
است خواننده کلان ارجسته پایه زار زار  
بوضع وقت انگیز این کشور و این ملت  
و این قانون و تشکیلات گریه کنده و  
بدانته در هیچ کدام از کشورهای خارجه از  
خسته تا لندن و از مکزیک تا سیرری و  
و مناطق استوا از کوه پیدادگر به وجود  
ندارد چقدر مضحک و خنده آور میباشد

حزبیکه یک کشور دولت و پارلمان مراد مفیده  
آرا بر سبب شناخته و نشر افکار و  
ایدهایشان را بلا مانع بدانه در پیش دیگر  
علمان کشور بیرونی از چنین گروهی را  
کنایه غیر قابل علو شمرده بلکه مرک  
و قنار همراه آورد در اینصورت بدون  
پروایا بد گفت ، کشور ملل متناق آزادی  
قلم و بیان - قانون - مجلس و همه چیز  
بینهادر و کم ارزش بوده و اصول و  
روش فرس مازوری و دیکتاتوری بقوت  
بالی میباشد . قیام توده های زحمتکش  
کردستان همگس الملل سناها دزدی و  
خیانت و ترور و شکنجه و حبس و وحشی  
است که بدست یکگشت فرومایه بر  
اگراد شریف و مهن پرست و ذاهر و  
جوانمرد و تحصیل گشته است درینا هنوز

معائن و نتایج این نهضت را درک ننموده  
و کوتاه نمیکردن و بی خردان و منفی  
باغان تشریفات و تمرد و آدمکششی  
تعبیر کرده اند سران کشور و هیئت  
دولت کادر راس آنها بکلی شخص شرافتمند  
و دیانات و دانشمند ترلو گرفته جنگی  
میدانند هیچگاه کرد برای ناپسندی  
و اضحلال و غلظت ایران عزیز  
قدم برنداشته پیوسته بر چه دار و نگهبان  
مرز های سرزمین داریوش و سکورش  
بوده و صحنه جوانان کرد مخوفترین اسلحه  
دشمنان میبند نانداز ما بوده است  
عبداللادر صابری از نظریه یولوژی میکان  
است فالتد یک عضو حساس و مهمی که  
مولد و محرک احساسات و محبت و دوستی  
و شرافت باشد بدین علت گنت  
پیشینیان نیش هترب نه از ره کین است  
مقتضای طبیعت این است - کلا در او  
صحن پیدا میکنند

صابری دارای شعوبت فامیلی و عالی و  
اجتماعی نیست از این جهت در پیرامون  
بیوگرافی او گفتگو نسیندایم ولی  
متأسفیم چگونه ستاد ارتش چنین موجودی  
را در سرویس استخبارات و جاسوسی  
بپذیرفته در صورتیکه کشور های مترقی  
و متقدم در سازمان های جاسوسی و ضد  
جاسوسی کسانی را بپذیرند که دارای  
اصالت خانوادگی - هنر دانش - معلومات در

## در گذشت

پس از دو روز بیماری  
۱۸ و ۲۵ آقای سالار موبد  
ملك الکلامی در سنتر دار قالی  
و اوداع گفت با وجود اینکه آقای  
رئیس بهاری سترو امین داران ( آقای  
فرهجو) نهایت مراقبت و جدیت  
را بعمل آوردند ولی متأسفانه از  
معالجه نتیجه ای بدی هاید نگردید .  
مراسم تشییع جنازه در دهانجا  
با تشریفات و وضع آبرو مندی  
بجمل آمده جنازه بخاک سپرده  
میشود .  
این مصیبت وارده را به  
خانواده محترم ملك الکلامی تسلیت  
میگوئیم .

## آشهی حصر وراثت

فدرا رحیبان درخواستی بداد کاه  
بخش کردستان تقدیم که داود رحیبان  
کلیسی مقیم دالسی سته ج فوت کرده باز  
مانده مالومه برادر رحیم شهرت بابا رحیم  
ایراهمیم - عدل و اینکه خواهر اشتریمی باشد  
با تقدیم ترویبت نامه مذهب کلیسی اظهار  
می دارد چون اشتر قیل از فوت برادر  
شهر کرده از اربت معروف و درخواست  
صدور گواهی حصر وراثت بنام سه برادر  
و انوده که امر این سه بار در روزنامه رسمی  
کشور و روزنامه کوهستان درج می نماید اگر  
کسی و اشتریمی دارد از اشتر اولین آقا  
تاسه نامه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر  
و وصیت نامه جز رسمی و سری تاثیر ندارد  
رئیس دادگاه بخش کردستان شیامی  
۲۱ - ۲۱

## چاپخانه شرکت مطبوعات

حدود دکتر با اتلا لسانیه آهنا  
چنین زبان بیکانه - هنر - اطلاعات  
و ادبکی و موتور و درانی و غیره  
باشد - پوشیده نماند افسران و روسای  
ستاد و فرماندهان لشکر از رفتار و اعمال  
آن شخص موزی خبر نداشته والا  
بکلیش می رساید - اهالی کردستان  
حرکات و سخنان و گزارشات یک مشرف  
حقیر را نباید دلیل بی موری و پیدائنی  
دولت و افسران پاکه امن و با ذکاوت  
و فداکاریش دانست و بحساب انسان  
بیاورد صابری ناچیز سراز است که کار  
ها و اقدامات مذموم و خلاف انانیش  
را متکی بسلامات دولتی بدانته خوب  
است مردمان عبور و دلاور کردستان  
بر احم و الطاف اولیای امور و ابدوار  
بوده و با توسعه دانش و نشر فرهنگ  
گشایش مدارس و کسب هنر و بررس  
مطبوعات و سیر تکامل مقام دبیرین و  
ترویج فکر برادر مبارزات جانی فون  
پیشم بدست آورند .

بنام جبر

(۱)

### یک بحث علمی در اطراف زبان و ادبیات کردی

اغیرا به مناسبت وقایع چاره گاهگاهی یعنی اشعاش در اطراف زبان و ادبیات کردی مطالبی نوشته و نظریه هایی از خود ابراز میدارند که با حقیقت موازین علمی وفق نمی دهد . بیشتر این اشعاش کسانی هستند که نه بنام زبان شناسی آشنا بوده و نه زبان کردی را میدانند و نه از ادبیات کردی اطلاعی دارند و بضادر میان آنها هم یکی دو لغت فاضل و دانشمند وحی از استادان ادبیات دیده میشود که یادداشتن مقام علمی مسلم میباشد برای بحث و نقاشوت در این مورد دارای این نقیصه میباشد که نه در زبان و نه در ادبیات کردی اطلاعات و تنهایی ندارند .

نظریه آنها این است که اولاً زبان کردی یکی از لهجه های فارسی زبان فارسی است .

ثانیاً این زبان ادبیاتی ندارد و فقط مانند لهجه های سنائی و گیلکی دارای بعضی افعال معدود فعلی میباشد در باره موضوع اول مسکن است این نظریه را صرفاً یک اشتباه علمی و ناشی از اشتراک و تشابه اکثر لغات بین فارسی و کردی دانست ولی در باره موضوع دوم بر حکم باینکه زبان کردی زبانی که از هزار سال قبل دستور و صرف و نحو آن تعیین و از روزگاران قدیم زبان خواندن و نوشتن و دارای خط مخصوص بوده و ادبیات نسبتاً وسیع و متنوع آن شاه به زبان فارسی ادامه و تسلسل داشته یک هم چنین زبانی را فاقد ادبیات و یا ادبیات آرا یافته نماند افعال لهجه های سنائی و گیلکی مقایسه نمودن بر خلاف اصناف علمی و تقاضای آرا نامی از پاره اغراض سیاسی ( که نباید هیچگاه در سامه علم راه داشته باشد ) دانست .

اگر چه اصولاً در این منظور سیاسی هم دچار اشتباه شده اند زیرا همان طور که ایران هبارت از فارسی تنها نیست زبان ایرانی نیز منحصر بفارسی نیست بنابر این سبب زبان و ادبیات کردی هر چه باشد متعلق بایران و هر رزق و مقامی که داشته باشد و یا بعداً پیدا کند بحساب توسعه و علم مقام لر هت و کولتور جامعه ایرانی خواهد بود .

اینکه راجع باینکه زبانت کردی یکی از لهجه های فارسی و یا خودمانند فارسی یک شاخه اصلی از زبان ایرانی است شروع بیعت نموده و در مقدمه هاید چند نظر از خاور شناسان بزرگ که در این رشته تحقیات و تخصص دارند بنظر خواننده بیاورند :

سر سیلاکی شیب میگوید «نظریه اصل زبان کردی در این روزها تغییر کاملی نموده . بنا بقدمه منحصمین که خسر میتواند به آراء و نظریات آنها اعتقاد نماید زبان کردی فعلی یک لهجه مشتق یا تحریف شده از زبان فارسی کنونی نیست بلکه یک زبان مستقل بنام سنئی است که دارای تطورات تاریخی حقیقی مخصوص بقوم میباشد و از زبان فارسی

### نامه ها و نگرانی های سیده

از سنندج

آقای احمد آبت پناه زارع شکایت می کند که آقای میرزا آقاخان مظہبی در ملک چهار نفر صغیر که جز این سهم ملک مردم ماش ندارد نه صرف عدوانی نموده و مراجع صلاحیت دار در رسیدگی و احقاق حق تامل نموده اند .

با وجود اینکه در بعضی گزارشات از طرف مراجعیت اظهار رضایت از رئیس دادگستری شده و میگویند شمس بی نظری است میباید بعضی موارد شکایات مردم مدتاً بلا اقدام میباشد .

خوب بودن دستگاه قضائی ضامن سعادت مردم میباشد انتظار داریم دادگستری کردستان باین تکرر توجه نماید

از سنندج

یکی از هشت نفر کارمندان منتظر خدمت بعضی کردستان شکایت مینماید که بنام تقلیل بودجه این عده و با اختیار کارگرفتنی کل گزارده و با وجود مراجعات مکرر راجع به حقوق آنان اقدامی نشده است .

دارائی کردستان به شکایات این اشعاش توجه نماید .

یک هیئت منحصمین باجهدیک البقاء بخصوص وزیر کتابت مشترکی که احتیاج بنام لهجه های آرا نکافو . ساید لهجه های مزبور بعضی از بعضی دیگر فور شده و ظاهر آنها تغییراتی بود که مسکن است اشعاش غیر دقیق را باین خیال بیندازد که این لهجه ها هر کدام زبان مختلف و مستقل هستند و این موضوع است که در راه تعین کنندگان این زبان اشکالاتی تولید نموده و اکثر آنها لغت ننده اند که یکی از این لهجه ها زبان اصلی و لهجه های دیگر فروغ و مشتقات آن هستند

« دلالت اتنوگرافی و جنرافی و فیلولوژی و غیر آن از دلایل تاریخی و انبساط و قراین استنباط از روایات و تقلید و عادات و داستانها دلالت میکند که طایفه مگری ساکن شهرستان سابلخ ( مهاباد ) کلیه این اوصاف و براین در آنها جمع میباشد و شایسته آن هستند که مثال و نمونه برای مطالعه دقیق حقیقت خسر کرد و زبان کردی قرار داده شود »

« و از جمله سلمات شده که زردشت به زبان ماد تکلم می نموده و در شمال کشور ماد متولد شده که مثلا معروف به محل مگری میباشد و ببلاده زبان زردشت همانطور که در اوستا می بینیم جدا از لهجه فعلی مگری نزدیک است بلکه بطوریکه بعداً ذکر می نمایم همان لغت مگری میباشد »

این بود خلاصه قسمتی از تحقیقات کردشناس معروف میجرسون

### شهر بانی کردند دقت نماید

آقای رستم صالحی از کزنه شکایت می نماید که شب ۲۲ و ۲۳ در حالی که در کزنه خود را بسته حرام منزل بوده است از طرف محصلان نامطمینی که مست بوده مورد حمله قرار گرفته پس از این که او را کتک نمضالی می زد ساعت و کیف بظنی را که مخفی میبندی پول بوده می دید باید بزار اطلاع بر اثر شکایت برورده تنظیم شده ولی محصلان او را تهدید به قتل نموده است .

شهر بانی کرده لازم است در این مورد توجه بیشتری مبذول داشته و نسبت به پیرونده تضییع اقدامات اولیه را زودتر پایان برساند

### برای اطلاع وزارت راه

عده توجه در تعمیر و مرمت راهما باعث شده است که کلیه جاده های کردستان بسیار خراب است . بل قزل اوزن که در سال ۱۳۲۲ تعمیر شده بود خراب شده اداره راه در امور مربوطه کردستان کار اساسی انجام ندیده از این جهت بودجه ای صرف میشود و نتیجه ای عاید نمیکرد اعتباری هم که اخیراً فرستاده شده برای جاده بین سنندج و معمرق شده است .

تاکی وزارت راه فکر اساسی برای کردستان بکند ؟ خدادانه !

### قتل یک بی گناه

ملا علی پانچوله که مردی زارع بوده بقره آه جری میرود دو راه به به سربازان که برای جمع آوری بیکاری برج سازی بل قزل اوزن رفته بودند بر میخورد چون سربازان یک نفر را برای بیکار کنک میزدند او در مقام مطاعت بر میآید سرباز بر خاش کرده با یک تیر تنگ مانند زارع دا دانه لغوا اورا بقتل میرساند جنازه پس از سه ماهه از طرف امنیه دفن میگردد .

### راستگو از سنندج می نویسد

هدایات شهرداری سنندج از هرحیت مورد تقدیر و از هر جهت باعث امیواری کامل است مثلا در میدان ذغال فروشی کاتلا نظارت بعمل میآید عده ای دلال هر بار که وارد میشود از صاحب پار دربان و از مشتری هم دربان پول میگیرند و چنین اظهار میدارند که نصف این پولها متعلق به شهرداری است

دو شهر سنندج مواضع کلابا برقرار است مثلا کوچه هائیک به خسرو آباد منتهی میشود مرتد و تا حدی نظیف است و برای جبران آن محله یر محدداز کثافت کامل بهره مند میباشد ،

خداوند این شهرداری را از مانگیرد

### اظهار سپاسگذاری

بدین وسیله از هوم ذوات محترمی که در مراسم تشییع جنازه و سوگواری نوجوان رشید و ناکام سروان صمداله خسروی در سنندج بذلتوجه فرموده و قلب داغیده ما را با شرکت خودشان چه حضورا و چه در جرائد تسلی داده اند نهایت امتنان و سپاسگذاری را عرض سلامتی و سعادت عرضشان را از ایزد متعال خواهانم

### اظهار سپاسگذاری

بدین وسیله از هوم ذوات محترمی که در مراسم تشییع جنازه و سوگواری نوجوان رشید و ناکام سروان صمداله خسروی در سنندج بذلتوجه فرموده و قلب داغیده ما را با شرکت خودشان چه حضورا و چه در جرائد تسلی داده اند نهایت امتنان و سپاسگذاری را عرض سلامتی و سعادت عرضشان را از ایزد متعال خواهانم

# کوهستان

## نتیجه چندماه وجود انجمن ولایتی کردستان چیست ؟

روزیکه نتیجه انتخابات انجمن ولایتی کردستان را با اطلاع خوانندگان خود رسماً ندیم با اظهار حسن نیت امیدوار بودیم که آقایان منتخبین بی به اصیت موفق بوده و با در نظر گرفتن مبارزه ای که مردم بر خلاف گذشته بر این انتخابات نموده اند متوجه شده اند که انتصاب کننده گان انتظاماتی دارند و آقایان با قبول نمایندگی انجمن ولایتی باید کار کنند و بار بدستی را از دوش مردم بردارند.

از آن موقع بیخه متوجه بودیم که نتیجه اقدامات آقایان را در پناه اطلاع خوانندگان خود برسانیم متأسفانه بسا وجود اینکه چند ماه از این انتخابات میگذرد از آقایان خبر از چند مراسم که با ادارات نوشته اند و گویا ادارات هم جواب نداده اند اثری باقی نمانده و مدتی است که حتی جلسات هم تشکیل نمی شود.

در همان روزها که ما از این نمایندگان دوری خوش بینی اظهار امیدواری نمودیم یکبار از خوانندگان با اعتراض طرح مفصلی بنا نوشته بودیم که از وجود این آقایان کاری ساخته نیست و این مرد این میدان نیستند ما با هم دادیم که باید منتظر آینده بود که تفاوت نماید.

اکنون ما خود ناچاریم از نظر آن خواننده محترم پیروی نموده و اظهار کنیم که آقایان تا بحال کار مفیدی انجام نداده اند تا کنون وقت خود مردم را تلف کرده اند و اگر بهین طریق ادامه دهند غیر از به نام کردن قاطبه کردستانیان یادگاری از خود باقی نخواهند گذاشت.

امروز که از هر گوشه ای از مملکت فریاد انجمن ولایتی و اختیارات آن بلند است امروز که بسا مبارزه های طولانی ایالتی مانند آذربایجان در سبب انجمن ولایتی خود به پیشرفت های هکرت نایل میشود آیا شایسته است که چند نفر بنام نمایندگان انجمن ولایتی کردستان حق کردستانی را باطل نموده و بجای اینکه کار کنند مبارزه نمایند و حقوق از دست مردم را بگیرند فقط با اینکه نماینده انجمن ولایتی هستند دلشوش داشته و حتی برای کوچکترین کار دور هم جمع نکردند.

آقایان محترم ، نمایندگان انجمن ولایتی کردستان ، شایباید امروز قدری چشم ها را باز کرده متوجه مملکت خراب کردستان بوده و بداید که وظیفه سنگینی چهیده دارید.

امروز شمارا مدافع حقوق مردم کردستان میدانند و شمارا برگره بندگان آنان برای اصلاحات و نظارت در امور و خلاصه صرف نمایند کردستانیان می پندارند

شما با کاری که تا بحال انجام داده اید اینطور سر می کرده اید که کردستانی مردمی است خلفه او همه جای شیر کسی است که جرات نفس کشیدن نداشته لیاقت اداره امور خود را بر ندارد، شخصی است که حرف و عهده چند دقیقه قادر را در روز ندارد کسی است که قادر نیست از مزایای قانون که عطا شده استفاده کند شما با نمونه کار چند ماهه خود داغ باطله بر پشانی کردستانیان زده اید . سستی شاندر این مدت شرم آورد است .

مردم را نا امیدتر کرده اید آبروی انجمن را برده اید .

همای عدم رضایت از سستی شما و از بحالی شما نماینده گان برگزیده مردم کردستان بلند شده و اکثر آقایانی که شمارا انتخاب نموده اند امروز از کرده خود پشیمانند زیرا هر چند شما تا کنون نور رستگاری ندیده اند

برای اینکه شما هم حق مردم را ضایع ننموده و هم بیش از این آبروی خود را نریخته باشید خود به پیشنهاد ۱- رسماً هوسنی و تردید را دور کار کرده و تصمیم بگیرید کار کنید فوراً شروع نماید یا جدت مشغول شوید و از هیچ مبارزه ای برای سادستند بودن سکنه کردستان دریغ ننمایید.

۲- اگر چنین توانائی ندارید با ما داید هم آهنگی ندارید همگی کنار بروید و وقت مردم را تلف نکنید بگذارید مردم بیمل خود آزادانه عهده دیگررا انتخاب کنند شاید آنها بتوانند کاری از پیش ببرند .

با انتظار اینکه این تذکرات مورد دقت و عمل شما قرار گیرد بحث امروز را پایان میدهم و اینت را هم اضافه مینمایم که در این باد آوری های تلخ هیچیک از اعضای بخصوص نمایندگان در نظر گرفته شده بنگه روی سخن ما از روی نتیجه کار و با محسوس نمایندگان بوده است .

**وزارت جنگ توجه نماید**  
عصر کتبی پیام عبدالقادر صابری با هیادی و پشت هم اندازی چندی در منطقه سفر بنام مامور ستاد ارتش مزاحمت های بیشاری برای مردم فراهم نموده بود بر اثر تذکرات چندی که راجع به بیایات ناپاکانه او داده شد وزارت جنگ این جانور مودی را بطهران اعزام نمود این توجه اولیای امور با عت امتنان گردیده و امیدواریم برای اینکه حقایق بهتر روشن شود دستور معاکمه این جنایتکار صادر نمایند و پس از اینکه چند نفره از هزاران گناه او ثابت شد کیفری داده شود تا دیگران نیز بدانند برای جنایات غارتگری هم مجازاتی در میان است،

## آقای آصف

بنامه ۱  
برای اینکار دستور صادره اخیر جناب آقای نخست وزیر هم راهم رگونه ملاحظه را مامور بوده است . بجای ایشان یکی از جوانان فعال مستند را بگمارد و مسئولیت اصلاح شهرداری را از او بخواهد او هم اصلاحات نووری را که از بودجه و اعتبارات شهرداری مقدور است انجام داده و برای اصلاحات و بیشتر برنامه تهیه کند که با قویات اعتبارات اضافی از دولت یا وضع حوارش جدید این قسمت هم جاه عمل نبوده ۲- مردم از مایه و از بهش و سایر مشقات آن بسیار ناراضی هستند از رئیس مایه هم دل خوشی ندارند فوراً تقاضای توبیخ ایشان را بنمایند هر قدر رئیس مایه آدم خوش صحبتی هم باشد بیایات ایشان دیگر در محیط کردستان موثر نیست بجای ایشان هم از یکسی ماموریت فعال محلی استفاده نماید و مخصوصاً اینها هم در گوشش بخواهد که باید حق و حساب از منطقه کردستان رخت بر بندد زیرا در مرهنگ کردی برای حق و حساب لقی وضع نشده است.

۳- برای تأمین بهداشت مردم فکر اساسی بکنید و عهده و زیر بهداری که اگر پزشک فراهم شده به کردستان هم فرستاده خواهد شد بهیچ سستی و قافله فرستاده کرد مالکین هدموتروتهمان را مکلف کنید کمک کنند و یک بیمارستان ملی ایجاد نمایند یا اگر این مردانگی را نداشته از پزشکان ارتش برای اداره بیمارستان مستند مستند استفاده نماید ۴- برق کنگر کردستان توجه کنید از اعتبارات موقوفه ها که امروز لو می شود میشود استفاده نماید مدارس را سروصورت بشهید دیرستان شهر را با کمک وزارت فرهنگ کامل نمایند و از آوارگی فرزندان در شهرهای دیگر جلوگیری کنید اگر به فرهنگ توجه نکنید در مقایسه نسل آینده مسئول خواهید بود.

کار در کردستان زیاد است صرف وقت میخواهد اگر یکی دو کار دست زدید و جدا دیال کردید و درست شد مردم بشما ایمنی واقعی خواهند داشت و به کمک آنها بکلی مشکلات راحل نموده نام یکی از خود بیاد کار خواهید گذاشت .

اگر در کار تردید کردید و با امروز و فردا گذرانید معشن با شیه که آن وجهی ای هم که دارید از میان رفته و کاسه و کوزه ما بر شما خواهد شکست و در نظر مردم منظور شده تا اب شما را مایه بدبختی و عقب ماندگی کردستان خواهند داشت:

حال در انتحاب هر یک از این دوره منتاریه ولی ما دوست داریم شما موفق شوید و شما را مردم کردستان را مساعدتند کرداید .

عزت آینده چند موضوع دیگر را تذکر خواهیم داد.

آبوسان یکساله داغله - ۲۰۰ ریال  
تنگروشی داغله ۴ ریال  
خارجی - ۲۵۰ ریال  
خارجی - ۵ ریال  
جای اداره خیابان فردوسی روبروی بانک ملی تلفن ۶۶۷

اداره کل ثبت اسناد می لوید  
اداره نامه عتکی کوهستان  
بازگشت نامه شماره ۲۵۳۲۰۰۰۰  
متضمن بنامه مورخه ۲۵۳۲۱۴ چنده نفر از اعالی گروس راجع به شکایت از حلیات آقای مهدی فتوسی رئیس ثبت احوال درخواست انتقال او اشعار میدارد . بنا به صالح و منضیات اداری محل خدمت آقای فتوسی تغییر داده شده است نظر باینکه در نامه شکوایه مورد عتسی ذکر نگردیده لذا رسیدگی در این باب مسر نخواهد بود .

**برای اطلاع اداره نظام وظیفه**  
ستوان یکم یگی در بخش یلان کردستان بنام جمع آوری مشمولان غیر نظامی حسب آزاره کنگلاری و بول خودی بستناده درجه رسید عهده ای از دست مامورین نظام وظیفه خانه و زندگی خود را ترک کرده فرار نموده

این گونه حلیات و این نوع مامورین هستند که کردستان را بشما آبر میانه نشایند و بسا وجود اینکه عتکی اسفل مامورین سلف خود را می بینند طبع چشم بصیرت آنها را کور کرده همان حلیات جنایتکارانه را ادامه میدهند .

انتظار داریم رئیس محترم اداره کل نظام وظیفه دستور رسیدگی فوری تقیب مامور احراری به بخش یلان کردستان ستوان یکم یگی را صادر نمایند

**برای اطلاع وزارت کشور**  
حقت چنه بن سال است بنده گان نامیل رضایی در پنجاه هفت قریه مایه هفت به شغل سرپرستی از طرف فرمانداری شاه آباد انجام وظیفه مینمایم تا کنون در خدمات معمول نسبت به خدمتگذاری دولت و حفظ انتظامات جزئی قصوری نوزیده اخیراً که آقای اهرلی بستی فرمانداری شاه آباد ورود نموده مستقیماً خدمات بنده را مشاهده کرده اند .

چند روز قبل آقایان صحنی فرماندار کرمانشاه و سلطان سبسی رئیس دفتر استانداری به عرض اینکه ساختمان مسکونی خود را که در مقابل دفتر استانداری است برای سکونت به آنها نداده ام بدون اطلاع فرماندار شاه آباد بکنفر دعوتی را بجا نشینی بنده و حکم فرمایی قایلیم به مایه هفت اعزام داشته اند .

چون تا بحال از این جناب کوچک ترین خلائی سرزده است عدا دارم دستور فرمایند رسیدگی نموده و از اینگونه حلیات که موجب دل سرد نمودن خدمت گذاران واقعی است جلوگیری بعمل آورند در صورتیکه این جناب مرتکب خلائی شده باشم برای کیفر مقرراتی آن کاملاً آماده میباشم .

جهان بشهر رضایی کلهر توجه وزارت کشور را بشکایت وارده جلب مینمایم .

از سندلج فریدونی عامل شکر و جای از طرف بازپرس توفیق گردیده وی عامل ناجیه فرود بوده است . امیدواریم این موش هم از سوز داغ تله قرار نکند .